

Distinguishing Knowledge Production from Article Production in the Humanities and Social Sciences in Light of Levels of Scientific Innovation*

Hossein Gholipour 

Ph.D. in Decision-Making and Public Policy, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

gholipour@isu.ac.ir

Abstract

The issue of knowledge production, raised as a serious and recurrent demand from the academic community during the 2000s, attracted the attention of researchers, policy scholars, and policymakers to this important subject. Although, in its original context, the concept referred to scientific innovation and was associated with notions such as “scientific innovation” and *ijtihad*, its incorporation into the conceptual and cognitive framework of the country’s academic community resulted in a conceptual equivalence between knowledge production and article production. Consequently, the production of academic articles came to be regarded as synonymous with knowledge production, with the number of published research articles being adopted as its primary indicator. The central issue, therefore, is whether these two concepts are indeed conceptually equivalent and

* Gholipour, H. (2025). Distinguishing Knowledge Production from Article Production in the Humanities and Social Sciences in Light of Levels of Scientific Innovation. *Islamic Knowledge Management*, 7(1), pp. 155-182.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.73588.1106>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2024/07/17 • **Revised:** 2024/08/17 • **Accepted:** 2024/08/19 • **Published online:** 2025/03/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



whether article production can serve as the unit of measurement for knowledge production. Do international indexing systems likewise regard the number of articles produced by different countries as an indicator of knowledge production? More generally, what constitutes the unit of measurement and assessment of knowledge production, and what are its defining characteristics? This article addresses these questions using a descriptive-analytical approach. The findings demonstrate, first, that knowledge production and article production are not conceptually equivalent. International indexing systems, and SCImago in particular, do not designate the number of scientific articles produced by countries as “knowledge production.” From a positive perspective, and in light of different levels of scientific innovation, the study further demonstrates that the appropriate unit of measurement for knowledge production is theory. Scientific theories, because they are not confined to a specific time or place, constitute relatively universal forms of knowledge applicable to members of the global scientific community. Moreover, such theories maintain a profound relationship with empirical reality and are supported by objective evidence. The concepts and conceptual relationships embedded within these theories have also contributed to establishing intersubjectivity—or, in other words, shared understanding and agreement—among scientists.

Keywords

Knowledge Production, Article Production, Science Governance, Levels of Scientific Innovation, Applied Research, Basic Research.



تبيين التمييز بين إنتاج العلم وإنتاج المقالات في مجال العلوم الإنسانية والاجتماعية في ضوء مستويات الابتكار العلمي*

حسين قلي بور ^{id}

دكتوراه في اتخاذ القرار وصياغة السياسات العامة، جامعة الإمام الصادق عليه السلام، طهران، إيران.
gholipour@isu.ac.ir

الملخص

أدى طرح موضوع «إنتاج العلم» بوصفه مطلباً جاداً ومتكرراً من المجتمع العلمي خلال عقد الثمانينيات في إيران إلى لفت اهتمام الباحثين والباحثين في مجال السياسات وصانعي السياسات إلى هذا الموضوع المهم. وعلى الرغم من أن هذا المفهوم كان يعني في منطلقه الأصلي التجديد الفكري والعلمي، وكان مقترناً بمفاهيم من قبيل «الابتكار العلمي» و«الاجتهاد»، فإن دخوله في المنظومة الذهنية والمعرفية للمجتمع الأكاديمي في البلاد أفضى إلى نوع من المساواة المفاهيمية بين إنتاج العلم وإنتاج المقالات؛ بحيث عد إنتاج المقالات مرادفاً لإنتاج العلم، واعتبر عدد المقالات البحثية المنشورة مؤشراً لقياسه. وتتمثل المسألة هنا في التساؤل عما إذا كانت هناك مساواة مفاهيمية بين هذين

* الاستشهاد بهذه المقالة: قلي بور، حسين. (٢٠٢٥). تبيين التمييز بين إنتاج العلم وإنتاج المقالات في مجال العلوم الإنسانية والاجتماعية في ضوء مستويات الابتكار العلمي. إدارة المعرفة الإسلامية، ١٨٢-١٥٥ (١)٧.

<https://Doi.org/10.22081/jikm.2026.73588.1106>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/٠٧/١٤ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٠/٢٢ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٢/٠٧ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٣/٣٠

© ٢٠٢٥

يحفظ المؤلفون بحقوق الطبع والنشر الكاملة.



المفهومين، وما إذا كان إنتاج المقالات هو وحدة قياس إنتاج العلم. وهل تعتبر الفهارس العالمية أيضاً عدد المقالات التي تنتجها مختلف البلدان إنتاجاً للعلم؟ وبوجه عام، ما وحدة قياس إنتاج العلم وتقييمه، وما خصائصها ومقوماتها؟ وقد جرت متابعة الإجابة عن هذه الأسئلة في هذه المقالة باستخدام المنهج الوصفي - التحليلي، وتبين أولاً أنّ العلاقة بين هذين المفهومين لا تقوم على التساوي. كما أنّ الفهارس العلمية، وبوجه خاص قاعدة بيانات سايماجو، لا تطلق على عدد المقالات العلمية التي تنتجها البلدان تسمية «إنتاج العلم». ومن الناحية الإيجابية، تبين، في ضوء مستويات الابتكار العلمي، أنّ وحدة قياس إنتاج العلم هي النظرية. وتعدّ النظريات العلمية، بحكم عدم ارتباطها بزمان ومكان محددين، نوعاً من المعرفة ذات الطابع العالمي النسبي، التي يمكن أن تكون نافعة لجميع أعضاء المجتمع العلمي العالمي. كما أنّ لهذه النظريات ارتباطاً عميقاً بالواقع التجريبي، وتوافر أدلة موضوعية تؤيدها. وقد أسهمت المفاهيم والعلاقات المفاهيمية الكامنة بين هذه النظريات كذلك في إيجاد قدر من التوافق الذهني، أو بعبارة أخرى، في تحقيق توافق في الرؤية بين العلماء.

الكلمات المفتاحية

إنتاج العلم، إنتاج المقالات، حوكمة العلم، مستويات الابتكار العلمي، البحوث التطبيقية، البحوث الأساسية.



تبیین تمایز تولید علم و تولید مقاله در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در پرتو سطوح نوآوری علمی*

حسین قلی پور

دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
gholipour@isu.ac.ir

چکیده

طرح موضوع تولید علم به عنوان مطالبه‌ای جدی و پرتکرار از جامعه علمی در دهه ۸۰ توجه پژوهشگران، سیاست‌پژوهان و سیاست‌گذاران را به این موضوع مهم جلب کرد. اگرچه این مفهوم در خاستگاه خود به معنای نوآندیشی علمی بود که با مفاهیمی چون «نوآوری علمی» و «اجتهاد» هم‌نشین شده بود، ورود آن به دستگاه ذهنی و شناختی جامعه دانشگاهی کشور نوعی برابری مفهومی میان تولید علم و تولید مقاله را رقم زد؛ به طوری که تولید مقاله به معنای تولید علم دانسته و شاخص اندازه‌گیری آن تعداد مقالات پژوهشی منتشرشده در نظر گرفته شد. اکنون مسئله اینجاست که آیا میان این دو مفهوم تساوی مفهومی برقرار است و واحد سنجش تولید علم تولید مقاله است؟ آیا نمایه‌نامه‌های جهانی نیز تعداد مقالات کشورهای مختلف را تولید علم می‌دانند؟ و به طور کلی، واحد اندازه‌گیری و سنجش تولید علم چیست و چه مختصاتی دارد؟ پاسخ این پرسش‌ها در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، پی گرفته و مشخص شد اولاً نسبت میان این دو

* **استناد به این مقاله:** قلی پور، حسین. (۱۴۰۴). تبیین تمایز تولید علم و تولید مقاله در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در پرتو سطوح نوآوری علمی. مدیریت دانش اسلامی، ۱۷(۱)، صص ۱۵۵-۱۸۲.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.73588.1106>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

© ۱۴۰۴ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



مفهوم تساوی نیست. نمایه‌نامه‌های جهانی و به‌طور مشخص پایگاه سای‌مگو نیز تعداد مقالات علمی کشورها را تولید علم نام‌گذاری نمی‌کند. در وجه ایجابی نیز با عنایت به سطوح نوآوری علمی مشخص شد واحد سنجش تولید علم، نظریه است. نظریه‌های علمی به واسطهٔ تعلق‌نداشتن به زمان و مکان مشخص، دانشی نسبتاً جهان‌شمول محسوب می‌شوند که برای تمام اعضای جامعهٔ علمی جهانی کاربرد دارند. همچنین این نظریه‌ها با واقعیت تجربی ارتباط عمیقی دارند و شواهد غیرذهنی نیز در تأیید آنها وجود دارد. مفاهیم و روابط مفهومی میان این نظریه‌ها نیز توانسته هم‌ذهنی و به تعبیر دیگر توافق ذهنی میان دانشمندان به وجود بیاورد.

کلیدواژه‌ها

تولید علم، تولید مقاله، حکمرانی علم، سطوح نوآوری علمی، پژوهش‌های کاربردی، پژوهش‌های بنیادین.

مقدمه

موضوع تولید علم یکی از دغدغه‌هایی است که چندین دهه حضور پررنگی در حکمرانی علم جمهوری اسلامی ایران دارد. مطابق داده‌های رسمی منتشرشده، مقام معظم رهبری از همان ماه‌های آغازین رهبری خود بر اهمیت علم و جوشش درون‌زای علم تأکید و به آن توصیه کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۶۸). ایشان حدود ده سال بعد، ابتدای دهه سوم انقلاب اسلامی، جدی‌تر و با بسامد و فراوانی بیشتر، در بیانات خود مفهوم تولید علم را کنار سایر مفاهیمی مانند «نواندیشی علمی» و «جنبش نرم‌افزاری» به کار برده و در صدد تأسیس نهضت نرم‌افزاری و تولید علم برآمدند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)؛ به طوری که موضوع تولید علم در دهه ۸۰ نه فقط، به عنوان وظیفه و کارکرد دانشگاهی و پژوهشگاهی، بلکه یکی از ارزش‌های مهم و قابل توجه در جامعه علمی، جای خود را میان اهل علم باز کرد.

تولید علم و تأکید فراوان بر آن به واسطه نقشی است که علم در استحکام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع مختلف انسانی دارد؛ به نحوی که توانایی کشور در تولید علم و تبدیل آن به فناوری می‌تواند اقتصاد آن کشور را از خام‌فروشی و شکننده بودن در برابر تحریم‌ها، نجات دهد و آن کشور را از کشوری محتاج به دیگران، به کشوری مولد و مقتدر تبدیل کند. طبیعی است کشوری که به لحاظ اقتصادی و فناوری اقتدار و برتری داشته باشد، به لحاظ سیاسی نیز کمتر تحت تأثیر اراده و خواست کشورهای دیگر قرار می‌گیرد. همچنین توانایی کشور در رفع نیازهای فکری، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و بهداشتی از طریق علم و نواندیشی‌های علمی در حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی، علوم پزشکی و فنی-مهندسی قدرت و اقتدار جامعه را به عرصه‌های فکری، اجتماعی و سیاسی توسعه می‌دهد؛ بنابراین علم نقش انکارناپذیری در ایجاد اقتدار و نفوذناپذیر بودن جوامع انسانی ایفا می‌کند و در کشاکش تحریم‌ها و رقابت کشورها بر سر نوآوری‌ها و تازه‌های علمی، آن کشوری دست برتر را خواهد داشت که بتواند سهم قابل توجهی در تولید علم داشته باشد (قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲)؛ بنابراین علم آن قدر مهم است که تولید و توسعه آن می‌تواند منجر به تولید و توسعه قدرت در تمام ابعاد

اجتماعی جامعه انسانی شود و عقب افتادن از آن نیز می تواند به عقب ماندگی و وابستگی جامعه بینجامد.

بیان مسئله

به رغم اینکه «تولید علم» مفهومی بومی است که در کلام رهبر انقلاب در دهه سوم انقلاب اسلامی با مفاهیمی مانند «نواندیشی علمی»، «نوآوری علمی» و «اجتهد» هم نشین شده و رونق آن می تواند جنبش نرم افزاری قوی ای به وجود بیاورد، مجامع سیاست پژوهی و سیاست گذاری معمولاً تولید علم را با تولید مقاله یکسان می انگارند و رتبه تعداد مقالات نمایه شده ایران در نمایه نامه های بین المللی را به معنای رتبه تولید علم کشور می دانند (صالحی، ۱۴۰۳؛ گزنی، ۱۳۹۳). بنابراین پرسش اینجاست که تولید علم با تولید مقاله یکسان است؟ به عبارت دیگر، آیا واحد سنجش تولید علم تولید مقاله است؟ آیا نمایه نامه های جهانی نیز تعداد مقالات کشورهای مختلف را تولید علم می نامند؟ و به طور کلی، واحد اندازه گیری و سنجش تولید علم چیست و چه مختصاتی دارد؟

پاسخ این پرسش تأثیرات چشمگیری در حکمرانی علم کشور دارد. چنانچه این برابری مفهومی که در دستگاه سیاست پژوه و سیاست گذار ایران شکل گرفته، واقعی باشد، نشان دهنده انتخاب یک نشانگر و واحد سنجش درست برای مقوله تولید علم از سوی دستگاه سیاست پژوه، درستی هدف گذاری، تنظیم گری و سیاست گذاری دستگاه سیاست گذار علم و فناوری کشور و نیز درستی مسیر علمی ای است که ایران چندین دهه در آن حرکت می کند اما چنانچه این دو مفهوم برابر نباشند، لازم است دستگاه سیاست پژوهی کشور در عین اهمیت دادن به تولید مقاله به طور کلی و به خصوص در حوزه علوم طبیعی - نشانگر و واحد سنجش دیگری برای سنجش تولید علم ابداع یا اختیار کند. همچنین دستگاه سیاست گذار علم و فناوری کشور باید هدف گذاری، تنظیم گری و سیاست گذاری خود را به گونه ای سامان دهد که کنشگران علمی کشور به سوی تولید علم واقعی گام بردارند و حرکت و جریان علمی کشور، مسیری کارآمد و دقیق را طی کند که ثمره آن فقط تولید انبوه مقاله نباشد بلکه توسعه حقیقی علم باشد.

۱. مبانی نظری

شفاف تر شدن موضوع و مسئله مورد بررسی در گرو ارائه تعریف چند مفهوم کلیدی است که در ادامه می آید:

الف) مقاله: مقاله علمی گزارش نوشته و منتشر شده‌ای است که نتایج تحقیقات جدید در آن حوزه تخصصی را ارائه می‌کند. وقتی جامعه علمی دانش جدیدی تولید می‌کند، این دانش در کتاب‌های دانشگاهی یا مقالات مجلات پژوهشی، ظاهر می‌شود. مقاله‌های مجلات علمی شکل اصلی ظهور یافته‌های پژوهش یا دانش جدید هستند. این مقاله‌ها چگونگی ارتباطات رسمی دانشمندان با یکدیگر و انتشار نتایج پژوهش علمی را نشان می‌دهند (Neuman, 2000, p. 10)؛ بنابراین نوآوری‌های علمی که از طریق پژوهش‌های اصیل^۱ جدید به دست می‌آیند، معمولاً در قالب مقاله‌ای علمی و البته گاهی هم در قالب کتاب‌های پژوهشی منتشر می‌شود.

ب) تولید علم: وقتی به تدریج یافته‌های علمی پیرامون یک موضوع و مباحث فرعی آن انباشته می‌شود. معمولاً رشته یا زمینه‌ای موضوعی در علم شکل می‌گیرد و ممکن است بعدها در اثر تخصصی‌تر شدن، خودش به خرده‌موضوعات دیگری نیز تقسیم شود. در این شرایط، یافته‌های علمی آن موضوع در محدوده‌ای مشخص قرار دارند و هر گونه افزایش این اکتشافات و یافته‌ها به معنای تولید علم خواهد بود؛ بنابراین تولید علم به معنای خطوط مرزی علم را شکستن و جلو رفتن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶). تولید علم پیمودن راه‌هایی است که به نظر راه‌های نرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲). اگرچه اندیشمندان تلقی‌ها و رهیافت‌های مختلفی درباره چستی علم و روش علمی مطرح و درباره آنها بحث کرده‌اند، اینجا این تلقی‌ها محل بحث نیستند. مفهوم تولید علم به تلاش‌های علمی عالمان و پژوهشگران اشاره می‌کند که به توسعه یافته‌های بشری درباره جهان واقع می‌انجامد؛ به این ترتیب، تولید و ارائه هر مدل یا چارچوب توصیفگر واقع، تبیین ارتباط متغیرهای مختلف، ابداع روش‌های پژوهشی جدید و همه

1. Original research

اکتشاف‌های قابل دفاع را می‌توان مصداق تولید علم دانست.

ج) حکمرانی علم: برخی پژوهشگران با بررسی متونی که به حوزه حکمرانی علم پرداخته‌اند، به چهار معنای متفاوت از این مفهوم رسیده‌اند: ۱) شاخه‌ای از نظریه سیاسی؛ ۲) فرایند مداخله در جامعه علمی؛ ۳) تنظیم اخلاقیات علم و ۴) هدایتگری پژوهش (قلی‌پور و عبیری، ۱۴۰۱). به نظر می‌رسد منشأ تفاوت این تلقی‌ها گاهی وسعت و تنگی دامنه مداخله در جامعه علمی است؛ گاهی دامنه مداخله تنگ در نظر گرفته می‌شود و فقط تنظیم اخلاقیات علم یا هدایتگری پژوهش (نه آموزش نه نهادسازی و...) را در بر می‌گیرد و گاهی هر مداخله‌ای در جامعه علمی مصداق حکمرانی علم در نظر گرفته شده است. گاهی نیز منشأ اختلاف نظرها تفاوت برداشت از حدود معنایی حکمرانی است. به هر روی، حکمرانی علم حاوی دو مفهوم «حکمرانی» و «علم» است که در پژوهش‌های این حوزه به اندازه کافی به آنها پرداخته شده و بررسی تفصیلی آنها در اینجا خارج از هدف و مسئله پژوهش حاضر است. اینجا مقصود از حکمرانی علم «جهت‌دهی به رفتار بازیگران جامعه علمی» است که هم سازمان‌های دولتی هم کنشگران و بازیگران بخش خصوصی می‌توانند آن را بر عهده بگیرند. بازیگران جامعه علمی طیف وسیعی از سیاست‌گذاران، سیاست‌پژوهان، مدیران، پژوهشگران، استادان، اعضای هیئت علمی، دانشجویان و کلیه افرادی را که در جامعه علمی حضور دارند و ایفای نقش می‌کنند، در بر می‌گیرد.

۲. شاخص تعداد مقالات در نمایه‌نامه‌های جهانی

روزانه نشریات علمی متعددی که حاوی مقالات مختلف هستند، در رشته‌های مختلف علمی در گستره جهان، منتشر می‌شوند. پایگاه‌های برخطی وجود دارند که این مقالات را نمایه می‌کنند. یکی از این پایگاه‌های جهانی اسکوپوس است. پایگاه سای‌مگو نیز از زیرمجموعه‌های اسکوپوس است که دوره‌ای داده‌هایش را به‌روز می‌کند. این پایگاه نیز کشورها را براساس شاخص‌های مختلف آنها رتبه‌بندی می‌کند که بررسی آن می‌تواند نشان دهد تعداد مقالات نشان‌دهنده تولید علم است یا خیر.

Rankings							Download
All subject areas ▾ All subject categories ▾ All regions ▾ 2024 ▾							Clear filters
Display countries with at least 0 Documents ▾ Apply							
Country	↓ Documents	Citable documents	Citations	Self-Citations	Citations per Document	H Index	
1 China ↗	1215824	1190419	1404224	1024521	1.15	1455	
2 United States ↗	743884	636319	694392	272624	0.93	3213	
3 India ↗	351928	302793	308228	139930	0.88	925	
4 United Kingdom ↗	252604	211490	295326	68714	1.17	2048	
5 Germany ↗	206323	185893	214421	55661	1.04	1797	
15 Turkey ↗	82150	75868	81106	18975	0.99	647	
16 Netherlands ↗	75748	67526	95552	17204	1.26	1471	
17 Iran ↗	75501	72349	89492	23937	1.19	541	

نگاره ۱: رتبه‌بندی کشورها در پایگاه سای‌مگو براساس شاخص‌های مختلف (Scimago, 2025)

مطابق تصویر پایگاه سای‌مگو، کشورها براساس شش شاخص (مدارک علمی، مدارک قابل استناد، استنادات، خوداستنادی، نسبت استنادات به مدارک علمی و شاخص اچ)، رتبه‌بندی شده‌اند. هر کاربر براساس انتخاب یکی از این شاخص‌ها می‌تواند رتبه‌بندی کشورهای جهان را مشاهده کند. این تصویر، نشان‌دهنده رتبه کشورهای مختلف براساس تعداد مدارک علمی نمایه‌شده سال ۲۰۲۴ در تمام حوزه‌های موضوعی است که ایران رتبه هفدهم جهان را از آن خود کرده است. همان‌طور که می‌بینید اینجا هیچ نامی از تولید علم^۱

۱. یکی از نکات قابل توجه در این باره رایج نبودن برگردان انگلیسی عبارت «تولید علم» (Science production / Science generation) در دانش اطلاعات و علم‌سنجی، ازجمله پایگاه‌های استنادی جهانی، است. پایگاه سای‌مگو به مدارک علمی منتشرشده برون‌دادهای علمی (Scientific outputs) می‌گوید (Scimago, 2025b) که بیش از هر چیز نشان‌دهنده متغیر انتشارات علمی است.

به‌عنوان مبنای رتبه‌بندی آورده نشده، بلکه کشورها براساس تعداد کلیه مدارک علمی نمایه‌شده خود در پایگاه اسکوپوس، رتبه‌بندی شده‌اند. بیشتر این مدارک علمی مقالات علمی (مقالات نشریات علمی، مقالات مروری و مقالات کنفرانسی) هستند که پایگاه سای‌مگو مجموع این مقالات را مدارک قابل‌استناد می‌نامد (Scimago, 2025).

۳. نسبت مقالات علمی با تولید علم

پژوهش‌هایی که در حوزه‌های مختلف علمی انجام می‌شود، ازجمله علوم انسانی و اجتماعی، می‌توانند در قالب مقالات علمی در نشریات مختلف چاپ و منتشر شوند. این پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، طبق دسته‌بندی مشهوری به دو دسته بنیادین^۱ و کاربردی^۲ تقسیم می‌شوند. پژوهش‌های بنیادین دانش بنیادین ما را درباره جهان اجتماعی گسترش می‌دهند (Neuman, 2000, p. 26) و پژوهش‌های کاربردی در پی حل مسائل خاص سیاست‌گذاری یا کمک به کارگزاران برای انجام وظایفشان هستند (Neuman, 2000, p. 27). پژوهش‌های بنیادین بیش از اینکه دغدغه ارائه راهکار و راه‌حل برای مسائل جهان واقعی داشته باشند، اهدافی مانند اکتشاف، توصیف، فهم، تبیین و پیش‌بینی را دنبال می‌کنند. از سوی دیگر، پژوهش‌های کاربردی اهدافی مانند تغییر، ارزشیابی و اثربسنجی را پی می‌گیرند (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱). پژوهش‌های کاربردی اغلب با استفاده از نظریات، مدل‌ها، چارچوب‌ها و روش‌های موجود به دنبال دستیابی به راهکار، راه‌حل و سیاست برای حل مسائل پیرامونی هستند؛ به همین دلیل کاربردی نامیده می‌شوند. نیومن، به‌عنوان یکی از نویسندگان مطرح عرصه روش تحقیق علوم اجتماعی، تفاوت‌های دقیق این دو نوع پژوهش اجتماعی را در قالب جدولی ارائه کرده است.

1. Basic research

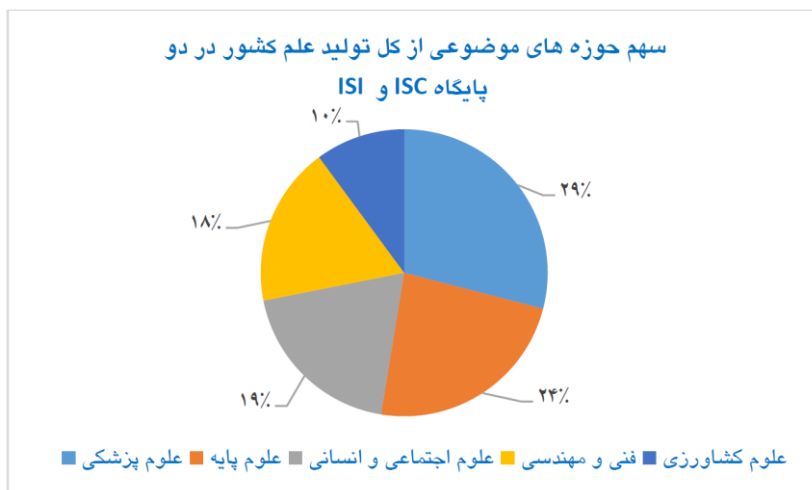
2. Applied research

جدول ۲: مقایسه پژوهش‌های اجتماعی بنیادی و کاربردی (Neuman, 2014, p. 28)

جنبه	بنیادی	کاربردی
مخاطب اصلی	جامعه علمی (دیگر پژوهشگران)	شاغلان، مشارکت‌کنندگان یا سرپرستان (غیرپژوهشگران)
ارزشیابان	همتایان پژوهشی	شاغلان، سرپرستان
استقلال پژوهشگر	زیاد	کم‌متوسط
سختی پژوهش	خیلی زیاد	مختلف، متوسط
بالاترین اولویت	حقیقت تأییدشده	ارتباط
هدف	خلق دانش جدید	حل مسئله‌ای عملی
شاخص موفقیت	انتشار و تأثیرگذاری بر دانش / دانشمندان	کاربرد مستقیم برای حل موضوع / مسئله‌ای خاص

به این ترتیب، همان‌طور که اندیشمندان عرصه روش تحقیق بیان می‌کنند، پژوهش‌های کاربردی به دنبال خلق دانش جدید نیستند، بلکه حل مسئله‌ای عملی را هدف گرفته‌اند. در حالی که همانند پژوهش‌های بنیادین، در قالب مقالات علمی و کتب پژوهشی چاپ و منتشر می‌شوند؛ از این رو، این ادعا که هر مقاله پژوهشی مصداق تولید علم است، قابل دفاع و پذیرش نیست. اتفاقاً باتوجه به اینکه انجام پژوهش‌های بنیادین دشوار است، بسیاری از مقالات حوزه علوم انسانی و اجتماعی از جنس پژوهش‌های کاربردی هستند.

آنچه این ادعا را تقویت می‌کند، آمار مقالات تولید شده کشور در حوزه‌های مختلف علمی است. مطابق آمار مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) در بازه چهارده ساله (۲۰۰۰-۲۰۱۴)، ۱۹ درصد کل مدارک علمی نمایه شده در دو پایگاه ISI و ISC در حوزه علوم انسانی و اجتماعی بوده است.



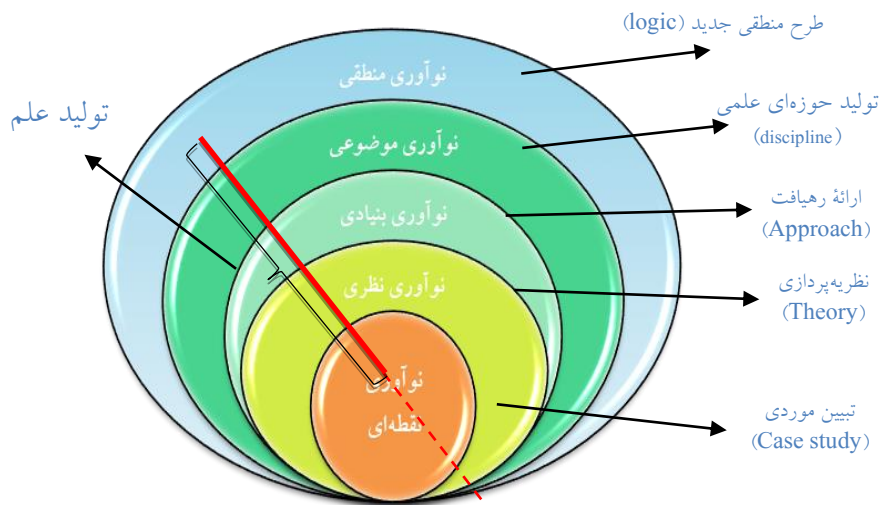
نگاره ۲: سهم حوزه‌های موضوعی از کل مقالات ایران در دو پایگاه ISI و ISC

(مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام، ۱۳۹۵)

بنا بر این آمار، اگر صرف تولید مقاله به معنای تولید علم باشد، جامعه علمی علوم انسانی و اجتماعی ایران بسیار تولیدگر محسوب می‌شود؛ زیرا از هر پنج مقاله‌ای که در ایران تولید می‌شود، یک مقاله در حوزه علوم انسانی و اجتماعی است. بااینکه پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلف بارها گفته‌اند جامعه علمی ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی عملاً مصرف‌کننده، ترجمه‌گر و واردکننده علم دیگران است (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸؛ افروغ، ۱۳۹۶؛ رفیعی آتانی، ۱۳۹۶). این تعارض نشان‌دهنده این واقعیت است که تولید مقاله در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نمی‌تواند به معنای تولید علم قلمداد شود و مقاله واحد اندازه‌گیری مناسبی برای سنجش تولید علم در این حوزه نیست. مقام معظم رهبری نیز که خود از جامعه دانشگاهی کشور مطالبه تولید علم کرده بودند، تصریح می‌کنند: «البته تولید علم را که ما عرض کردیم، با تولید مقاله نباید اشتباه کرد. آمارهایی که می‌دهند، مقاله‌هایی که منتشر شده، مقاله‌های علمی و بعضاً باارزش و مرجع که در دنیا جنبه مرجع پیدا کرده، این چیز خوبی است، چیز باارزشی است اما این همه قضیه نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

۴. نسبت تولید مقاله و نوآوری علمی

پرسشی که پیش می‌آید این است که پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی حتی اگر کاربردی باشند و در قالب مقالات علمی چاپ و منتشر شوند، قاعدتاً نوآوری علمی داشته‌اند، پس چگونه می‌توان نوآوری آنها را به معنای تولید علم ندانست؟ پاسخ این پرسش به رابطه تولید مقاله و نوآوری علمی برمی‌گردد؛ چنانچه این رابطه به درستی فهم شود، می‌توان به راحتی پذیرفت مقالات پژوهشی که معمولاً فرایند مرور همتا^۱ را طی می‌کنند، درعین داشتن نوآوری علمی، الزاماً مصداق تولید علم نیستند. نوآوری علمی اساساً مفهوم و متغیری مشکک و طیفی است؛ بنابراین نوآوری علمی درجات و گستره مختلفی دارد. مراجعه به چارچوب سطوح نوآوری علمی که قلی‌پور (۱۴۰۰) ارائه کرده است، طیف نوآوری علمی را نشان می‌دهد.



نگاره ۳: چارچوب سطوح نوآوری علمی

در این چارچوب، نوآوری نقطه‌ای یا نوآوری موردی به معنای ارائه تبیین از

1. Peer review

موردی (فرد، گروه، سازمان، کشور) خاص است؛ این تبیین زمان‌مند و مکان‌مند است. نوآوری نظری ارائه نظریه‌ای جدید در حوزه‌ای تخصصی است. نظریه‌ها جنبه عام دارند و موضوعی که نظریه تبیین کرده، مربوط به زمان یا مکانی خاص نیست؛ برای نمونه، امیل دورکیم^۱ که از چهره‌های کلیدی در عملیاتی کردن جامعه‌شناسی مدرن به شمار می‌رود، در پژوهشی بنیادین، پدیده «خودکشی» را به عنوان مسئله‌ای اجتماعی واکاوی کرد و در نهایت چهار نوع خودکشی تشخیص داد. او برای دستیابی به نظریه، با بررسی داده‌های جوامع مختلف و انگیزه‌های گوناگون خودکشی به این جمع‌بندی رسید که خودکشی اساساً بر پایه دو متغیر مستقل رخ می‌دهد: میزان یکپارچگی اجتماعی و میزان هنجارمندی یا تنظیم اجتماعی. این نظریه به واسطه تعلق نداشتن به زمان و مکانی معین، دانشی عام و قابل استفاده برای همه جوامع انسانی است. نوآوری بنیادی ارائه رهیافتی جدید مبتنی بر مفروضات بنیادی متفاوت از نظریات پیشین است. گاهی پژوهش‌های بنیادین به کشف مفروضات بنیادین نوینی منجر می‌شود که از مفروضات قبلی متمایز یا با آنها متعارض است؛ برای مثال، مطالعات هاثورن^۲ در مدیریت مفروضات مکتب مدیریت علمی که انگیزه‌های نیروی کار را فقط مادی می‌دید، زیر سؤال برد و نشان داد عوامل اجتماعی و شخصی، مثل احترام و حفظ کرامت و شخصیت انسانی نیروی کار، نیز در انگیزه‌بخشی به نیروی کار مؤثر است (رضائیان، ۱۳۹۳، ص ۶۱). در علوم طبیعی نیز نوآوری بنیادین رخ می‌دهد؛ نوآوری‌ها و یافته‌های جدید فیزیک نوین فقط نظریه نو یا یافته جدیدی در فیزیک به شمار نمی‌آمدند، این یافته‌ها مفروضات فیزیک مکانیک را با چالش‌های جدی مواجه کردند و در واقع پایه‌گذار فیزیک نوین شدند.

نوآوری موضوعی ارائه موضوعی مهم، ناشناخته و مغفول در معرفت بشری و به تعبیر دیگر، تأسیس جریانی علمی است. برخی فعالان عرصه علم موضوع جدیدی برای

1. Émile Durkheim

2. Hawthorne study

مطالعه و پژوهش مطرح کرده‌اند و افرادی نیز وارد این حوزه شده تا به تدریج جریانی علمی شکل بگیرد؛ برای نمونه، هارولد لاسول^۱ سال ۱۹۵۱ با انتشار مقاله‌ای با عنوان «جهت‌گیری سیاستی»، مسیر تازه‌ای گشود و عملاً پایه‌های رشته سیاست‌گذاری عمومی را بنا نهاد. همان‌طور که اسمیت و لاریمر اشاره کرده‌اند، باید در تعیین نقطه آغاز قطعی مطالعات سیاست‌گذاری عمومی و زیرشاخه‌های آن محتاط بود اما بیشتر پژوهش‌های تاریخی این رشته بر خاستگاهی نسبتاً مشترک توافق دارند: هارولد لاسول. او میانه قرن بیستم، چشم‌انداز جامعی از آنچه «علوم سیاستی» می‌نامید، ترسیم کرد (Smith & Larimer, 2009, p. 8). اقدام لاسول فقط توصیف عملکرد دولت‌ها در تصمیم‌گیری نبود، بلکه به نوعی تأسیس رویکردی تازه در ساحت دانش بود که براساس آن شاخه‌ای نو به درخت علم افزوده شد؛ از این رو می‌توان گفت کار علمی لاسول فراتر از نظریه‌پردازی صرف بود؛ او مسیر تازه‌ای در جغرافیای علم گشود که پژوهشگران بعدی رهروان آن مسیر شدند. این رشته نیز تاکنون، به عنوان بخشی رسمی از نظام دانشگاهی، پا بر جا مانده و مراکز علمی جهان در این زمینه مشغول آموزش و پژوهش هستند؛ در نتیجه، نوآوری لاسول را می‌توان نمونه‌ای کامل از «نوآوری موضوعی» دانست که به شکل‌گیری رشته‌ای علمی منجر شده است.

در نهایت، مقصود از نوآوری منطقی طرح منطق فلسفی جدیدی با مفروضات عام و مبنایی متفاوت از منطق موجود است. نوآوران منطقی صرفاً نظریه‌پرداز نیستند، متفکرانی‌اند که فراتر از ارائه کشفی جدید، دستگاه فکری نوینی ارائه می‌دهند. فرانسیس بیکن^۲، فیلسوف انگلیسی قرن شانزدهم، از شاخص‌ترین نمونه‌های نوآوری منطقی است. او در دوره‌ای می‌زیست که جهان غرب شاهد تحولات بزرگی بود؛ مانند اختراع چاپ، باروت و طرح نظریات جدید مبتنی بر مشاهده و تجربه، نظریاتی که با باورهای گذشته، مانند مدل خورشیدمرکزی کپرنیک، تعارض داشتند. این تحولات

1. Harold lasswell

2. Francis Bacon

بیکن را به این نتیجه رساند که برای پیشبرد علم جدید باید منطقی نوین بنیان گذاشت؛ زیرا منطق ارسطویی موجود نمی‌توانست از روش تجربی پشتیبانی کند.

بیکن به این منظور رساله‌ای نوشت و آن را در تقابل با ارغنون ارسطو نو ارغنون نامید تا نشان دهد در پی پایه‌گذاری منطقی تازه است (Bacon, 2003). بیکن در نو ارغنون خویش به صراحت اعلام می‌کند علوم معاصر او به کشف مصنوعات نوین یاری نمی‌دهند همچنین منطق فعلی دانشمندان را برای کشف علوم نوین مجهز نمی‌کند (Aph XI, p 35)؛ زیرا علم منطق عمدتاً برای جلوگیری از خطاهای فکری ایجاد شده است ولی منطقی لازم است که در جستجوی حقیقت به افراد کمک کند (Aph XII, p 35). بیکن پس از نقد منطق ارسطویی، روش «استقرای ناقص» را پیشنهاد کرد. این روش مبتنی بر مشاهده و تجربه بود که از جزء به کل حرکت می‌کند و به استنباط قوانین کلی می‌انجامد؛ به این ترتیب، نوآوری بیکن نه در خود تجربه‌گرایی که در ساختن دستگاهی منطقی برای آن بود. او با تدوین این چارچوب نظری توانست مسیر تازه علم تجربی را در اروپا تثبیت و تقویت کند.

اکنون با توجه به این چارچوب، می‌توان گفت پژوهش‌های کاربردی نوآوری علمی دارند اما به دلیل کاربردی بودن، نوآوری آنها مکان‌مند (مربوط به موردی خاص در جغرافیایی مشخص) و زمان‌مند (مربوط به موردی خاص در بازه زمانی مشخصی) است؛ بنابراین نوآوری آنها، از نوع نوآوری نقطه‌ای است که نمی‌تواند مصداق تولید علم باشد. ملاحظه مصادیقی از مقالات چاپ شده در حوزه علوم انسانی و اجتماعی که ذیلاً آورده شده است، زمان‌مندی و مکان‌مندی و در نتیجه نوآوری نقطه‌ای آنها را روشن تر می‌کند.

- امامی، سیدمجتبی، باقری کنی، مصباح الهدی و لطفی، سجاد. (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی ذهنیت‌های خط‌مشی‌گذاران و مجریان درباره مدیریت مواجهه با بدحجابی در ایران: پژوهشی مبتنی بر روش کیو»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۳۳.

- عباسی، طیه؛ دانایی فرد، حسن. (۱۳۹۳)، «چارچوب ائتلاف مدافع و تبیین

تغییر خط‌مشی؛ تغییر قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ششم، شماره ۳.

▪ تراب‌زاده، صادق؛ حسینی، سید کاظم؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). «تبیین تغییر خط‌مشی با استفاده از الگوی چارچوب ائتلاف مدافع (مطالعه موردی: قراردادهای نفتی ایران IPC)»، فصلنامه بهبود مدیریت، سال یازدهم، شماره ۱، پیاپی ۳۵.

▪ افضلی، هادی؛ دامغانیان، حسین؛ مقدم، علیرضا و عسگری، ناصر (۱۴۰۴)، «مطالعه پدیدارشناختی پیشایندهای احتکار دانش توسط کارکنان دانشی» (مورد پژوهی: خبرگان فنی نهاجا)، مدیریت دولتی، دوره ۱۷، شماره ۳، ص ۶۸۶-۷۰۷.

بیشتر پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی یک نظریه مبنا دارند که به آن پژوهش‌ها جهت داده است. نظریه مبنا هر کدام از این پژوهش‌ها در مصادیق نامبرده با خط تیره، نشان‌دار شده است؛ بنابراین نوآوری پژوهش یا مقاله الزاماً به معنای داشتن سهم‌یاری^۱ در خلق دانش جدید نیست، گاهی نوآوری آن به ارائه بینشی نو درباره موردی خاص است که پیشتر نبوده.

۵. واحد سنجش تولید علم

پس از نفی تعداد مقالات پژوهشی به عنوان واحد سنجش تولید علم، به خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، سؤال اینجاست که چنانچه موجودیتی اجتماعی بخواهد تولید علم را بسنجد، واحد اندازه‌گیری آن چیست؟

از مجموع آنچه تاکنون گفته شد، این‌طور برمی‌آید که نظریه آن چیزی است که می‌تواند واحد تولید علم به شمار برود؛ به دیگر بیان، زمانی می‌توان ادعای تولید علم داشت که نظریه جدیدی خلق شده باشد. این نظریات در علوم اجتماعی معمولاً در قالب نظریه‌های (شکلی و ماهوی)، مدل‌ها، چارچوب‌ها، روش‌ها و... ارائه می‌شوند. هر گونه

1. Contribution

نوآوری علمی را که فراتر از نوآوری نقطه‌ای باشد، می‌توان مصداق نظریه‌پردازی دانست. برخی نشریات علمی در جهان تأکید می‌کنند هر پژوهش نوآورانه‌ای را چاپ نمی‌کنند، بلکه پژوهش‌هایی که بتوانند در عرصه نظریه‌پردازی و توسعه نظری حوزه‌ای موضوعی نقش ایفا کنند، مورد توجه نشریه قرار می‌گیرند و نامزد داوری و چاپ در نشریه می‌شوند؛ برای مثال، نشریه آکادمی مدیریت تصریح می‌کند: «مأموریت نشریه آکادمی مدیریت انتشار تحقیقات تجربی است که نظریه مدیریت را آزمایش، گسترش یا ایجاد و به عملکرد مدیریت کمک می‌کند... نویسندگان باید تلاش کنند تحقیقات بدیع، بصیرت‌بخش، جالب، مهم و از حیث نظری جسورانه‌ای ارائه دهند که سهم قابل توجهی در درک مسئله یا موضوع داشته باشد.» (Academy of Management Journal, 2025)؛ بنابراین بررسی این نوع نشریات، مقالات آنها و سهم پژوهشگران هر کشور، دانشگاه یا گروه از آنها می‌تواند تا حدی معیار درستی از میزان تولید علم آن کشور، دانشگاه یا گروه در حوزه‌های موضوعی مختلف باشد.

۶. نظریه و ویژگی‌های آن

ارائه معرفتی تفصیلی از نوآوری نظری می‌تواند مفهوم تولید علم را روشن‌تر کند و معنای این گزاره را که واحد تولید علم، نظریه است، عیان‌تر کند؛ از این رو این بخش از مقاله تلاش می‌کند با استناد به مدارک علمی موجود، توضیحی درباره چستی نظریه، نظریه‌پردازی و نوآوری نظری ارائه دهد.

نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم و روابط بین آنهاست که برای تبیین پدیده مورد بررسی پیشنهاد شده است؛ مثلاً در نظریه نسبیت، انیشتین مفهوم انرژی (E) را با استفاده از مفهوم جرم (m) و سرعت (c) تبیین می‌کند ($E=mc^2$). (هچ و کانلیف، ۱۳۹۴، ص ۳۰). از نکات کلیدی فهم چستی نظریه مفهوم انتزاعی‌سازی است که معمولاً اندیشمندان علوم اجتماعی آن را لازمه تولید دانش مطلوب یا نظریه‌سازی^۱ دانسته‌اند (رینولدز، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

1. Theory building

هچ و کانلیف^۱ اذعان می‌کنند نظریه پردازی از طریق فرایند انتزاعی سازی^۲ انجام می‌شود. فرهنگ لغات جدید وبستر انتزاعی سازی را «شکل گیری ایده از طریق انفکاک ذهنی آن از نمونه‌های خاص» تعریف می‌کند. هچ و کانلیف نیز همین تعریف را از انتزاعی سازی ارائه داده‌اند. انتزاعی سازی به فرایند کنار گذاشتن جزئیات منحصر به فرد اشاره می‌کند؛ به صورتی که ویژگی‌های اساسی باقی بمانند (۱۳۹۴، ص ۳۹). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نظریه‌ها از انتزاعیاتی موسوم به «مفاهیم» ساخته می‌شوند. در نظریه، موضوع پژوهش که خود مفهوم است، به وسیله دیگر مفاهیم تبیین می‌شود.

رینولدز فرایند انتزاعی سازی را وابسته به استقلال زمانی و مکانی گزاره ارائه شده می‌داند؛ وقتی دانش ارائه شده به زمان، مکان و شرایط ویژه‌ای محدود نباشد و مختصات خاص زمانی و مکانی از آن گرفته شده باشد، این دانش انتزاعی است؛ به همین دلیل دانشی عام بوده و در جوامع مختلف معنادار تلقی می‌شود. اتفاقاً به همین دلیل مورد توجه علم‌آموزان سراسر دنیا قرار می‌گیرد؛ زیرا دانشی را می‌توان تدریس کرد و معمولاً به کتاب و منبع درسی تبدیل می‌شود که برای همگان قابل استفاده باشد نه وقتی منحصر به زمان و مکان خاصی باشد. علاوه بر اینکه می‌توان این نظریه‌ها را تدریس کرد، این قابلیت را دارند که مبنای پژوهش باشند و به نوعی راهبر پژوهش‌ها و در نگاهی دقیق‌تر، راهبر علم باشند.

رینولدز، علاوه بر انتزاعی سازی، دو ویژگی دیگر را نیز برای دانش مطلوب در جامعه علمی مطرح می‌کند. او معتقد است دانش مطلوب علمی که در قالب نظریات علمی ارائه می‌شود، باید بتواند میان دانشمندان آن زمینه اتفاق نظر ایجاد کند. او این ویژگی را ارتباط بین ذهنی می‌نامد؛ یعنی توافق مشترک میان فعالان آن حوزه درباره (۱) رویدادها یا پدیده‌های مربوط به یک مفهوم و (۲) ارتباط مفاهیمی که به وسیله یک یا چند عبارت تبیین شده است (سختگیری منطقی). در نهایت ویژگی سوم دانش علمی

1. hatch & cunliffe

2. Abstraction

مطلوب ارتباط تجربی است؛ دانش ارائه شده می تواند با یافته های تجربی مقایسه شود. بهتر است هر دانشمندی که می تواند رابطه میان نظریه ای خاص و بدیهیات عینی تجربی را بررسی کند. مهم این است که توان این بررسی وجود داشته باشد؛ زیرا به ندرت گام اول برداشته می شود اما در صورت ارائه نظریه و مدرک پشتیبان آن، به شیوه ای مناسب و مشروح، دیگر دانشمندان احساس می کنند می توانند نتایج را برای خودشان اثبات کنند؛ این کار اعتماد آنها را به مفید بودن آن نظریه افزایش می دهد. اگر نظریه ای نتواند با پژوهش عینی دانشمندی دیگر مقایسه شود، فلسفه اختصاصی مبتکر آن می شود؛ از این رو نمی تواند بخشی از پیکره مشترک دانش - بخشی از علم - باشد (رنولدز، ۱۳۸۸، صص ۱۹-۲۴).

۷. جایگاه نظریه پردازی در مدیریت دانش

تلقی رایج از مدیریت دانش این است که این حوزه رشته ای علمی در سطح سازمان بوده که همه فرایندها و فعالیت های مرتبط با خلق، اکتساب، به اشتراک گذاشتن، تسهیم و استفاده از دانش، مهارت و خبرگی را در بر می گیرد (عبدی و صفایی، ۱۳۹۲). در این حوزه علمی، مفهوم دانش با مفهوم علم تفاوت دارد؛ لذا وقتی مدیریت دانش به کار برده می شود، اغلب مقصود دانش ضمنی یا مصرح سازمان است که مدیریت آن، به عنوان یکی از سرمایه های سازمان، می تواند موفقیت بیشتری برای آن به ارمغان بیاورد. چنانچه تلقی عام تر و گسترده تری از مدیریت دانش اراده شود و مقصود مدیریت دانش در سطح ملی و فراملی باشد، فهم تمایز میان تولید علم و تولید مقاله ارتباط جدی تری با این موضوع پیدا می کند؛ زیرا باید دانست اگر هدف از مدیریت دانش ایجاد پایگاه دانش از مدارک علمی باشد که جامعیت در آن ارزش محوری است، تلاش برای دستیابی حداکثری به مقالات و نمایه سازی آنها اهمیت فوق العاده ای می یابد اما اگر هدف از مدیریت دانش رسیدن به مرزهای علمی و خط شکنی علمی است که تولید علم در آن ارزش محوری است، تلاش برای سوق دادن پژوهشگران به سوی نظریه پردازی و نوآوری هایی فراتر از نوآوری نقطه ای اهمیت جدی می یابد.

نتیجه‌گیری

این مقاله دو موضوع تولید علم و تولید مقاله و همچنین نسبت این دو را به نحو نسبتاً تفصیلی بررسی کرد و توانست شباهت‌ها و تمایزهای این دو را به دست بیاورد. این کاوش مشخص کرد اساساً مفهوم تولید علم با تولید مقاله متفاوت است و میان این دو موضوع برابری مفهومی وجود ندارد. البته شباهت‌ها و وجوه مشترک آنها سبب شده پژوهشگران، سیاست‌پژوهان و سیاست‌گذاران این دو را یکسان بدانند. این یکسان‌انگاری مفهومی سبب خروج آن از اصالت مفهومی و معنای حقیقی مفهوم تولید علم شده است؛ این مفهوم به معنای هر گونه نوآوری علمی دانسته شده که با معیار تعداد مقاله سنجیده و اندازه‌گیری می‌شود، حال آنکه اگرچه تولید علم و تولید مقاله هر دو در داشتن نوآوری علمی، مشترک هستند و وجه شباهت آنها همین است، هر مقاله‌ای الزاماً نوآوری نظری، بنیادین، موضوعی یا منطقی ندارد که بتوان آن را مصداق تولید علم دانست. بسیاری از مقالات علمی نتیجه پژوهش‌های کاربردی هستند که هدف و برون‌داد نهایی آنها تولید دانش جدید نیست؛ در حالی که مقصود از تولید علم اضافه کردن واحدی جدید به سرزمین علم و درنوردیدن مرزهای علمی است.

نسبت به دست‌آمده میان تولید علم و تولید مقاله به نسبت میان نوآوری علمی و نظریه‌پردازی برمی‌گردد. بررسی تفصیلی سطوح نوآوری علمی نشان داد نسبت دو مفهوم اخیر عموم و خصوص مطلق است؛ هر نظریه‌پردازی‌ای (نوآوری نظری/ بنیادین/ موضوعی/ منطقی) نوآوری علمی محسوب می‌شود اما هر نوآوری علمی‌ای (مثل نوآوری نقطه‌ای) تولید علم محسوب نمی‌شود و همان‌طور که گفته شد، بسیاری از مقالات علمی فقط نوآوری نقطه‌ای دارند؛ بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت تولید مقاله اعم از تولید علم است؛ لذا هر مقاله‌ای مصداق واقعی تولید علم نیست.

واحد اندازه‌گیری تولید علم کاری است که یک واحد به سرزمین علم اضافه می‌کند و انجام آن به معنای اضافه شدن دانشی جدید به انباشت دانش قبلی است. آنچه می‌تواند واحد اندازه‌گیری تولید علم به حساب بیاید، نظریه است. نظریه‌های علمی به واسطه محدود نبودن به زمان و مکان مشخص، نسبتاً جهان‌شمول محسوب می‌شوند که

برای کل اعضای جامعه علمی جهانی کاربرد دارند. همچنین این نظریه‌ها با واقعیت تجربی ارتباط عمیقی دارند و شواهد غیرذهنی نیز در تأیید آنها وجود دارد. مفاهیم و روابط مفهومی میان این نظریه‌ها توانسته هم‌ذهنی، به تعبیر دیگر، توافق ذهنی میان دانشمندان به وجود بیاورد.

پیشنهادهای

اکنون که تمایز مفهومی تولید علم و تولید مقاله مشخص شد، لازم است اقداماتی که می‌توانند حکمرانی علم جمهوری اسلامی را در مسیر اصلی، تولید علم و نهضت نرم‌افزاری، قرار دهند، شناسایی و پیشنهاد بدهیم. براساس این یافته‌ها، پیشنهادهایی برای حکمرانی علم کشور ارائه می‌شود:

الف) شناسایی مجلات نظریه‌پردازی: همان‌طور که در متن مقاله گفته شد، برخی نشریات علمی نوآوری نظری را دنبال می‌کنند و پذیرای هر مقاله پژوهشی نیستند. شناسایی این مجلات در وهله اول می‌تواند تصویر روشن‌تری از هسته نظری حوزه‌های مختلف علمی ارائه دهد که نقش قابل توجهی در توسعه علمی و نظری آنها ایفا می‌کنند. تأکید می‌شود مقصود از مجلات نظریه‌پردازی مجلاتی نیستند که فقط در چارک اول نشریات علمی قرار می‌گیرند. فارغ از چارک‌بندی مجله، مهم این است که رویکرد و سیاست مجله در پذیرش و چاپ مقاله شناسایی شود.

این کار می‌تواند زمینه لازم برای تشویق و تحریک پژوهشگران به ارائه و چاپ مقاله در آن نشریات را فراهم کند. افزایش چاپ مقاله در چنین نشریاتی می‌تواند به رونق و گسترش تولید علم نیز منجر شود. طبیعی است سنجش سهم مقالات کشور از این نشریات، نسبت به کل مقالات، متغیر نسبتاً خوبی برای محاسبه تولید علم (نظریه‌پردازی) نسبت به کل پژوهش است.

ب) راه‌اندازی مجلات نظریه‌پردازی: باتوجه به اینکه یکی از اهداف مهم و راهبردی حکمرانی علم ایران، به‌خصوص در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، تولید علوم انسانی اسلامی است، تأسیس مجلات نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی،

به خصوص با رویکرد اسلامی، می تواند اولاً زمینه را برای متمایز کردن مقالات نظریه پردازانه از سایر مقالات علمی متعارف فراهم کند، ثانیاً پژوهشگران را به چاپ و نشر مقاله در این مجلات تشویق کند. راه اندازی این مجلات و بیشتر اهمیت دادن به آنها و مقالات آنها در آیین نامه ها و دستورالعمل های رسمی، جریان علوم انسانی اسلامی در جامعه علمی کشور را جدی تر می کند.

ج) بازنگری آیین نامه ارتقای اعضای هیئت علمی مبتنی بر سهم یاری در نظریه پردازی: باتوجه به نابرابری تولید مقاله و تولید علم، نمی توان افرادی را به دلیل تولید تعداد مقاله متعدد و فعالیت هایی از این قبیل شایسته رتبه دانشیاری و استادی دانست. داشتن سهم یاری جدی در خلق دانش (نظریه پردازی) است که چنین عناوینی را معنادار می کند؛ بنابراین لازم است آیین نامه ارتقای اعضای هیئت علمی برای ارتقا به مرتبه دانشیاری و استادی، براساس لزوم داشتن مقاله یا کتاب نظریه پردازانه بازنگری و بازتنظیم شود تا ثمره آن فقط تولید انبوه مقاله نباشد، بلکه تولید واقعی علم باشد که خود مستلزم تمرکز پژوهشگر بر حوزه تخصصی مشخص و اجتناب از پراکنده کاری است.

این الزام بی تردید نقش مهمی در رونق نظریه پردازی و فعالیت در عرصه پژوهش های بنیادین خواهد داشت. ضمن اینکه تمایز رتبه علمی اعضای هیئت علمی نیز فقط در سابقه یا کمیت تولیدات پژوهشی نخواهد بود، بلکه خلق علمی دفاع شده نقش پررنگی در این تمایز ایفا خواهد کرد.

فهرست منابع

- افروغ، عماد. (۱۳۹۶). دانشگاه ما مروج علم دیگران است (مصاحبه)، بازیابی شده در تاریخ (۷ بهمن ۱۴۰۴)، از آدرس اینترنتی <https://tn.ai/1570961>
- افضلی، هادی؛ دامغانیان، حسین؛ مقدم، علیرضا؛ و عسگری، ناصر. (۱۴۰۴). مطالعه پدیدارشناختی پیشایندهای احتکار دانش توسط کارکنان دانشی (مورد پژوهی: خبرگان فنی نهاجا). مدیریت دولتی، ۱۷(۳)، صص ۶۸۶-۷۰۷. <https://doi.org/10.22059/jipa.2024.379476.3546>
- امامی، سیدمجتبی؛ باقری کنی، مصباح الهدی؛ و لطفی، سجاد. (۱۳۹۵). گونه‌شناسی ذهنیت‌های خط‌مشی‌گذاران و مجریان درباره مدیریت مواجهه با بدحجابی در ایران: پژوهشی مبتنی بر روش کیو. راهبرد فرهنگ، ۹(۳۳)، صص ۳۹-۷.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی (مترجم: حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ رضایی، پریرسا؛ و یزدانی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). بررسی موانع نظریه‌پردازی در قلمرو علوم اجتماعی. مدیریت بازرگانی ۱(۲)، صص ۴۷-۶۲.
- تراب‌زاده، صادق؛ حسینی، سیدکاظم؛ و نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). تبیین تغییر خط‌مشی با استفاده از الگوی چارچوب ائتلاف مدافع (مطالعه موردی: قراردادهای نفتی ایران IPC). بهبود مدیریت، ۱۱(۱)، صص ۳۴-۱.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه [سخنرانی]. بازیابی شده در آبان ۱۴۰۴، از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۹). بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر [سخنرانی]. بازیابی شده در آبان ۱۴۰۴، از <http://farsi.khamenei.ir>
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۲). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی [سخنرانی]. بازیابی شده در آبان ۱۴۰۴، از <http://farsi.khamenei.ir>

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هشتمین همایش ملی نخبگان

جوان [سخنرانی]. بازیابی شده در آبان ۱۴۰۴، از <http://farsi.khamenei.ir>.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان [سخنرانی]. بازیابی شده در

آبان ۱۴۰۴، از <http://farsi.khamenei.ir>.

رضائیان، علی. (۱۳۹۳). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: سمت.

رفیعی آتانی، عطاءالله. (۱۳۹۶). جامعه علمی مقلد است [مصاحبه]. بازیابی شده در آبان ۱۴۰۴،

از <https://www.mehrnews.com/news/4174483>

رینولدز، پل دیویدسن. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر نظریه‌سازی (مترجم: عبدالعلی لهسایی‌زاده و

منصور مدنی). شیراز: نوید شیراز.

صالحی، پیمان. (۱۴۰۳). ارتقای رتبه تولید علم ایران در جهان از اهداف وزارت علوم در

برنامه هفتم توسعه است [خبر]. بازیابی شده در آبان ۱۴۰۴، از <https://semnan.ac.ir/XV1f>.

عباسی، طیب؛ دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۳). چارچوب ائتلاف مدافع و تبیین تغییر خط‌مشی؛ تغییر

قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. سیاست علم و

فناوری، ۷(۳)، صص ۱۷-۱.

عبدی، محمدرضا؛ صفایی، سپیده. (۱۳۹۲). ارائه الگویی برای ایجاد و استقرار نظام مدیریت

دانش در سازمان امور مالیاتی کشور. پژوهشنامه مالیات، ۲۱(۶۹)، صص ۱۳۵-۱۵۸.

قلی‌پور، حسین. (۱۴۰۰). حکمرانی علم؛ دانشمندان چگونه راهبری می‌شوند؟! تهران: سروش.

قلی‌پور، حسین؛ جوانعلی‌آذر، مرتضی؛ و امامی، سید مجتبی. (۱۴۰۲). صورت‌بندی سیاست

علم مبتنی بر خوانش جمعی متفکران انقلاب اسلامی. نظریه‌های اجتماعی متفکران

مسلمان، ۱۳(۱)، صص ۲۱-۱.

قلی‌پور، حسین؛ عبیری، رضا. (۱۴۰۱). کاوشی در گستره حکمرانی علم: مروری قلمروی.

پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۸(۴)، صص ۶۹-۹۳.

گزنی، علی. (۱۳۹۳). ایران دارای رتبه نخست تولید علم در بین کشورهای اسلامی و منطقه

[خبر]. بازیابی شده در آبان ۱۴۰۴، از <https://isc.ac/fa/news/528>.

- مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام. (۱۳۹۵). گزارش عملکرد تولید علم دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دولتی کشور در بازه پانزده‌ساله ۱۳۷۸-۱۳۹۳. مشهد: انتشارات مؤسسه استنادی علوم و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC).
- هچ، ماری جو؛ کانلیف، ان ال. (۱۳۹۴). نظریه سازمان، مدرن، نمادین-تفسیری و پست‌مدرن (مترجم: حسن دانایی فرد). تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- Academy of Management Journal. (n.d.). [Website]. Retrieved 2025, November. 26, from <https://journals.aom.org/journal/amj>.
- Bacon, Francis. (2003). *The New Organon*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Neuman, W. Lawrence. (2000). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Massachusetts: Pearson.
- Neuman, W. Lawrence. (2014). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Harlow: Pearson.
- SCImago. (n.d.). *SJR — SCImago Journal & Country Rank* [Portal]. Retrieved November 26, 2025, from <https://www.scimagojr.com/countryrank.php>
- SCImago. (n.d.). *SJR — Help* [Portal]. Retrieved November 26, 2025, from <https://www.scimagojr.com/countryrank.php>
- Smith, K. B., & Larimer, Ch. w. (2009). *The Public Policy Theory Primer*. New York: Westview Press.